

آینده اسلام سیاسی در مصر با تأکید بر جریانات اسلام‌گرا

مسعود نوری تل زالی* و حشمت‌الله فلاحت‌پیشه**

تاریخ دریافت ۱۳۹۵/۱۰/۱۲ تاریخ پذیرش ۱۳۹۶/۳/۱۳

اسلام سیاسی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین جریان‌های سیاسی تأثیرات مهمی بر سراسر جهان و به‌ویژه کشورهای اسلامی در خاورمیانه داشته است. بحران‌های سیاسی جوامع در خاورمیانه با توجه به فقدان یک ایدئولوژی ناب اسلامی، انقلابی و سیاسی در کشوری چون مصر، زمینه را برای قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای برای به‌انحراف کشاندن گروه‌ها و بنیادهای اسلام‌گرا و نظام اسلام سیاسی، شرایط را در تأمین و حفظ منافع نظام سلطه کانالیزه می‌کنند. تحقیق حاضر به روش مطالعات کیفی و اسنادی بوده و برای تحلیل داده‌ها از روش آینده‌پژوهی استفاده شده است. جامعه آماری شامل: سفیران، اساتید و خبرگان علوم سیاسی، مطالعات راهبردی، روابط بین‌الملل، کارشناسان منطقه خاورمیانه و آینده‌پژوهی با حجم نمونه ۱۵ نفر به روش نمونه‌گیری گلوله برفی است. ابزار گردآوری اطلاعات، مصاحبه عمیق کیفی با خبرگان بوده است. برای تجزیه و تحلیل یافته‌ها با بهره‌گیری از ماتریس همبستگی و آزمون آنسیت به تجزیه و تحلیل روندها به بررسی وضعیت‌های ممکن و مطلوب در فرایندهای پیش‌رو در مصر پرداخته شده است. یافته‌ها و نتایج تجزیه و تحلیل پیش‌ران‌ها و روندهای اسلام سیاسی در مصر نشان می‌دهد ترتیب وقوع سناریوهای متحمل در آینده اسلام سیاسی مصر به این شکل است: ۱. تداوم و توسعه بیداری اسلامی، ۲. عادی شدن و استحاله بیداری اسلامی، ۳. مهار و کنترل بیداری اسلامی. بنابراین نتیجه می‌گیریم سناریو و روند تداوم و توسعه بیداری اسلامی در مصر نسبت به سناریوهای دیگر، از قوت و احتمال بیشتری برخوردار است.

کلیدواژه‌ها: اسلام سیاسی؛ آینده‌پژوهی؛ بیداری اسلامی؛ مصر؛ سناریوپردازی

* دکتری علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول)؛

Email: masoodnori@chmail.ir

** استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی؛

Email: drfalahatpisheh@yahoo.com

مقدمه

گفتمان اسلام سیاسی به واسطه تصور آینده، پاسخ‌هایی سیاسی با ابداع و بازسازی مفاهیم اسلامی به چالش‌های اجتماعی ارائه می‌کند؛ بنابراین اسلام سیاسی، مفهومی است برای توصیف جنبش‌ها و جریان‌های فکری و سیاسی در جهان اسلام که دغدغه ایجاد حکومت اسلامی داشته و گزاره‌ها، مبانی و اصول بنیادین خود را در چارچوب شریعت اسلامی صورت‌بندی می‌کند (خراسانی، ۱۳۸۹: ۷). در سال‌های اخیر دو دیدگاه اصلی درباره اسلام سیاسی شکل گرفته است. دیدگاه اول اسلام سیاسی را پدیده‌ای مسالمت‌جو و مدرن دانسته و امکان سازش میان آن و مفاهیم مدرن غربی را میسر می‌داند. بدین معنا اسلام سیاسی نه تنها پدیده‌ای سنتی نیست بلکه در نهایت منطق مدرنیته غربی را می‌پذیرد. دیدگاه دیگر اسلام سیاسی را پدیده‌ای خشونت‌آمیز، غیردمکراتیک و سنتی می‌داند. بدین معنا اسلام سیاسی پدیده‌ای کهنه و نخنما شده است که هدفی جز رد مناسبات مدرن و تخریب خشونت‌آمیز وضع موجود ندارد. براساس دیدگاه اول اسلام سیاسی نهایتاً درون صورت‌بندی غربی مدرنیته حل شده و منطق برتر مدرنیته غربی را می‌پذیرد و براساس دیدگاه دوم، جنگ و منازعه میان اسلام سیاسی و مدرنیته غربی ناگزیر است و سرانجام این جنگ نیز، نابودی اسلام سیاسی است (جرجیس، ۱۳۸۲: ۳۹).

مصر مهد اندیشه در جهان عرب و از کشورهای پیشتاز جهان اسلام محسوب می‌شود و همواره تحولات سیاسی - فکری این کشور تأثیر سرایتی عمیقی بر سایر کشورهای منطقه داشته است. در این کشور طی سده اخیر، مجموعه متنوعی از احزاب و فرهنگ‌های سیاسی از سکولاریسم تا اسلام‌گرایی حضور داشته‌اند. در پی سقوط مبارک و در پرتو گسترش آزادی سیاسی در این کشور، تأثیرگذاری جریان‌های مختلف سیاسی و مذهبی گسترش یافته و هم‌اکنون رقابت چشمگیری میان گرایش‌های سیاسی و فکری مختلف از جمله میان اسلام‌گرایی و سکولاریسم به چشم می‌خورد (نیاکویی و صبوری، ۱۳۹۰: ۲۰۷).

تحولات اخیر در خاورمیانه و ظهور گروه‌های اسلام‌گرا و گرایش‌های مختلف اسلام سیاسی در مصر، برآمد بحران سیاسی در خاورمیانه از یک سو، و از سوی دیگر تشدید تضادهای منطقه‌ای وضعیت را شدیداً پیچیده کرده است. بحران‌های سیاسی جوامع در خاورمیانه با توجه به فقدان یک ایدئولوژی ناب اسلامی، انقلابی و سیاسی در کشورهایی چون مصر، ترکیه و عربستان، زمینه

را برای قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای جهت به انحراف کشاندن گروه‌ها و بنیادهای اسلام‌گرا و نظام اسلام سیاسی، شرایط را در جهت تأمین و حفظ منافع نظام سلطه کانالیزه می‌کنند.

۱. اسلام‌گرایان و فرایند سیاسی در خاورمیانه

دگرگونی‌های سیاسی مصر و تونس، خاورمیانه را آبهستن تحولات جدیدی کرده است که به نظر می‌رسد سبب تغییر در جغرافیای سیاسی منطقه و دگرگونی ساختارهای ژئوپلیتیکی موجود خواهد شد. اسلام به‌عنوان دال مرکزی بسیاری از جریان‌ها و گروه‌های اسلامی در خاورمیانه، همواره آمادگی خود را برای ایفای نقش‌های سیاسی در این منطقه نشان داده است. در مواردی که جنبش‌های مبتنی بر آموزه‌های اسلامی امکان به‌دست گرفتن قدرت سیاسی را در کشورهای خاورمیانه نمی‌یابند، زمینه برای شکل‌گیری جریان‌های تندرو مذهبی مانند القاعده و گروه‌های مشابه در برخی کشورهای اسلامی همچون عراق، سودان، یمن، افغانستان و پاکستان فراهم می‌شود. البته بین عمل و دیدگاه گروه‌های تندرو با گروه‌ها و احزاب سیاسی اسلامی فعال که خواهان مشارکت در قدرت سیاسی یا به‌دست آوردن آن از طریق مسالمت‌آمیز هستند، باید تفاوت ماهوی قائل شد. با این حال، شکل‌گیری حکومت اسلامی در حوزه خاورمیانه با الگوهایی مانند حکومت جمهوری اسلامی ایران و عربستان قابل تعریف است. بنابراین، پیدایش خاورمیانه اسلامی، زمینه را برای حضور فعال‌تر چنین کشورهایی فراهم می‌کند. از سوی دیگر، وجود تعارض و مشکلات سیاسی در این کشورها نشان می‌دهد الگوی حکومتی اسلامی آنان با چالش‌های فراوانی روبه‌روست و مدعیان فراوانی دارد (کمپ و هارکاوی، ۱۳۹۳: ۱۶۴).

یکی از مهم‌ترین تحولات فرایند سیاسی و مشارکت کنترل شده دو دهه اخیر در خاورمیانه، ظهور جریان‌های اسلام‌گرا به‌عنوان نیرومندترین گروه‌های مخالف سیاست و رقابت‌های انتخاباتی بود. در بیشتر کشورهای خاورمیانه‌ای، نیروهای اسلام‌گرا در مقایسه با سایر مخالفان قدرت و حمایت مردمی بیشتری را به نمایش گذاشتند. جریان‌های ناسیونالیستی، لیبرال و چپ در همه این انتخابات در مقام‌های بعدی قرار گرفته‌اند. شاید یکی از مهم‌ترین دلایل این تحول را بتوان در تضعیف گرایش‌های ناسیونالیستی و چپ در سال‌های بعد از جنگ ۱۹۶۷ و

ظهور اسلام‌گرایان در صحنه سیاسی جستجو کرد. به این ترتیب، با کاهش محبوبیت و پایگاه مردمی این دو جریان ایدئولوژیک، گروه‌های اسلام‌گرای عرب و غیرعرب منطقه از سال‌های دهه ۱۹۷۰ به بعد در صحنه سیاسی حاضر شدند. ظهور مجدد اخوان المسلمین در مصر از سال‌های دهه ۱۹۷۰ تاکنون و همچنین ظهور حزب اسلام‌گرای نظام ملی (حزب رفاه سال‌های دهه ۱۹۹۰ و عدالت و توسعه و دهه نخست قرن بیست و یکم) در ترکیه بهترین نمونه‌های رشد جریان‌های اسلام‌گرایی در منطقه بوده‌اند (Abdalla, 2012: 6).

در مصر، ترکیه، الجزایر، اردن، سودان، تونس، یمن و فلسطین، گروه‌های سیاسی اسلام‌گرا به قوی‌ترین نیروهای مخالف تبدیل شده‌اند و در برخی از این کشورها بیشترین آرا را در جریان مبارزات انتخاباتی و پارلمانی کسب کرده‌اند. دگرگونی‌های چند دهه اخیر خاورمیانه، به ویژه رویدادها و قیام‌های دمکراسی خواهی و اسلام‌گرایی از آغاز سال ۲۰۱۱ در بسیاری از کشورهای عربی و سرنگونی برخی رژیم‌های اقتدارگرا در تونس، مصر، لیبی و یمن، جریانی را به نام بیداری اسلامی شکل داده است (Falk, 2014: 11). اسلام‌گرایی در خاورمیانه و به ویژه کشورهای عربی در سال‌های دهه ۱۹۷۰ خود را در چهره سازمان‌های طرف‌دار مبارزات خشونت‌بار و قهرآمیز مسلحانه آشکار ساخت. گروه‌های فوق در کشورهایی نظیر مصر و سوریه درصدد برآمدند که با توسل به خشونت و سیاست‌های براندازی به رویارویی با دولت‌های حاکم بروند و از طریق ترور مقامات بلندپایه یا رخنه در ارتش به منظور کودتای نظامی، به تغییر نظام سیاسی دست بزنند. به همین دلیل، در سال‌های گذشته شاهد ظهور جریان‌هایی نظیر «سازمان آزادی‌بخش اسلامی»، «جماعه المسلمین» (گروه التکفیر و الهجره)، «سازمان الجهاد»^۱، و «جماعه الاسلامیه» و «اخوان المسلمین» در مصر بودیم (موسی الحسینی، ۱۳۷۵: ۲۴۴).

یکی از اولین نظریات بدبینانه در خصوص آینده دمکراسی و مشارکت سیاسی در منطقه خاورمیانه را می‌توان در دیدگاه‌های چارلز عیسوی از نخستین پیشگامان اقتصاد سیاسی

۱. در خصوص فعالیت این گروه‌ها و ماهیت آنها نک: یعقوب توکلی، اسلام‌گرایی در مصر: پژوهشی در تفکر و عملکرد جماعت اسلامی مصر، تهران، نشر حدیث، ۱۳۷۳.

خاورمیانه یافت. این دیدگاه که تا حدی جنبه ساختاری پیدا می‌کند، بر آن است که دو شرط اساسی توسعه نهادهای دمکراتیک و گسترش روحیه دمکراسی‌خواهی در منطقه وجود ندارد: اول این که جامعه در اثر یک همبستگی اجتماعی نیرومند به هم پیوسته باشد و در همان زمان برای ایجاد تنش میان اجزای تشکیل‌دهنده‌اش دارای گونگونی کافی باشد. از آنجا که این همبستگی اجتماعی نیرومند موجود نیست و جامعه با خطر فروپاشی مواجه است تمایلی قوی برای توسل به دولت مطلقه قوی وجود دارد. پراکندگی قومی در خاورمیانه نیز انسجام را کاهش می‌دهد. علاوه بر این، حاکمیت اجتماعی و اقتصادی آنقدر قوی نیست که قادر باشد دمکراسی را ریشه‌دار کند و گسترش دهد (Isawi, 1968: 33).

پدیده فرهنگ سیاسی و ایدئولوژی‌های سیاسی عمده در منطقه خاورمیانه مورد توجه برخی محققان جامعه مدنی قرار گرفته و زمینه‌ای شده تا نسبت به تحقق دمکراسی و جامعه مدنی در جوامع منطقه اظهار بدبینی کنند. از نظر این گروه ایدئولوژی‌های سیاسی عمده‌ای که فرهنگ سیاسی را در منطقه شکل می‌دهند، یعنی ناسیونالیسم، سوسیالیسم و اسلام هر سه مشوق نوعی رهبری کاریزمایی (فره‌مند) و دولت اقتدارگرا بوده‌اند. ناسیونالیسم که بر رهایی ملی و وحدت ملی در منطقه تأکید داشت، وجود قهرمانان ملی را در رأس دولت‌های موجود به‌منظور تحقق آرمان‌های رهایی بخش و وحدت‌طلبانه تقویت می‌کرد. با ظهور جمال عبدالناصر در سال ۱۹۵۲ در مصر، این جریان در سایر کشورهای منطقه تقویت شد. رژیم‌هایی که بر ایدئولوژی سوسیالیستی نیز تکیه می‌کردند، توسعه اقتصادی و عدالت اجتماعی را در رأس برنامه‌ای خود قرار دادند و توجهی به مشارکت سیاسی نیروهای اجتماعی نداشتند (Instiagh, 1987: 256).

موج سوم بیداری اسلامی، سراسر جهان اسلام را فرا گرفته است. برخی منتقدان بر این باورند که قرن ۲۱ نه تنها قرن انقلاب‌ها بلکه قرن انقلاب‌های اسلامی می‌باشد. اگرچه الگوی همه این انقلاب‌ها یکسان نیست اما ریشه‌های مشترکی در میان آنها یافت می‌شود که برگرفته از اسلام است. با ظهور انقلاب اسلامی در ایران که مبتنی بر اسلام و شکل‌گیری حکومت دینی برآمده از مردم است، گفتمان تمدن نوین اسلامی - ایرانی به‌عنوان الگویی در حال عرض اندام در منطقه و مناسبات بین‌المللی می‌باشد و انقلاب اسلامی ایران تبدیل به عینیت و موجودیتی شده که الهام‌بخش کشورهای مسلمان است. این مهم، نتیجه شکل‌گیری پدیده

تمدنی جدید است که آن را تمدن نوین اسلامی - ایرانی نامیده‌اند (خرمشاد و کیانی، ۱۳۹۱: ۲۷).

۱-۱. نظریه بهار عربی (الربیع العربی)

مهم‌ترین تأکید این نظریه بر مشکلات اقتصادی و فقر و بیکاری در جهان اسلام است (Anderson, 2011: 3). سناریوها و مؤلفه‌های مورد تأکید نظریه بهار عربی عبارت‌اند از:

۱. علت خیزش‌های اخیر در جهان اسلام، نه اعتقادات مذهبی بلکه درخواست آزادی‌های ملی و رفع مشکلات اقتصادی و سیاسی است،
۲. تأکید بر غیراسلامی بودن ماهیت انقلاب‌ها،
۳. پرهیز از توجه به مشکلات فرهنگی - اجتماعی جوامع اسلامی،
۴. کوتاه‌مدت نشان دادن انقلاب‌ها،
۵. لیبرال و غیرایدئولوژیک نشان داده شدن ماهیت انقلاب‌ها،
۶. تأثیر نپذیرفتن این انقلاب‌ها از انقلاب اسلامی ایران،
۷. متضرر بودن عنوان جمهوری اسلامی.

۲. روند بیداری اسلامی در مصر

مصر در تحلیل‌های جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک در خاورمیانه، از سه منظر اهمیت دارد:

۱. **اشراف مصر بر کانال سوئز:** کانال سوئز، آبراه مهمی برای انجام مبادله‌های تجاری و نفتی جهان به‌شمار می‌رود. علاوه بر رفت و آمد کشتی‌های تجاری متعدد از این کانال، روزانه سه میلیون بشکه نفت خام تولیدی کشورهای خاورمیانه از طریق آن به بازارهای جهان انتقال داده می‌شود. مصر با اشراف بر این کانال، بر رفت و آمد کشتی‌های تجاری، حامل‌های انرژی و ناوهای نظامی نظارت می‌کند.

۲. **پل ارتباطی آفریقا، اروپا و آسیا:** مصر، نقطه اتصال و کلید ارتباط جغرافیایی بین سه قاره مهم آسیا، اروپا و آفریقا است (درایسدل و ایچ‌بلیک، ۱۳۶۹: ۱۸۵).

۳. **یکی از ضلع‌های مثلث قدرت منطقه‌ای:** مصر به همراه ترکیه و ایران، از اثرگذارترین کشورهای خاورمیانه به‌شمار می‌رود.

مصر به عنوان یک بازیگر ژئوپلیتیک محور، کلید ایجاد یا تغییر توازن استراتژیک در خاورمیانه و آفریقای عربی است و تغییر در نوع و ماهیت نظام سیاسی این کشور، به مثابه تغییر در توازن استراتژیک و متعاقباً تغییر در ترتیبات امنیتی و مناسبات سیاسی منطقه خواهد بود. لذا تحولات مربوط به مصر را می‌بایست از منظر راهبردی و مبتنی بر سه مؤلفه «کلان‌نگری»، «همه‌جانبه‌نگری» و «آینده‌نگری» مورد بررسی و تحلیل قرار داد. موج بیداری اسلامی در مصر، از نخستین امواج خروشان مردمی بود که علیه حاکمیت استبداد و حکومت‌های دست‌نشانده استعمار در منطقه به راه افتاد. مصر با جمعیت ۸۵ میلیون نفری، بخش مهمی از جمعیت کل اعراب را تشکیل می‌دهد و به دلیل مجاورت با فلسطین اشغالی از اهمیت و تأثیرگذاری بالایی در جهان اسلام برخوردار است.

۱-۲. اسلام سیاسی در مصر و جریان‌های اسلام‌گرا

در جریان تحولات موسوم به بهار عربی مصر، نیروهای اسلام‌گرا مهم‌ترین و اصلی‌ترین نیروی سیاسی بودند که سهم ۶۲ درصد در انتخابات پارلمانی نشان از جایگاه آنها در فرایند بیداری در مصر می‌باشد. جریان اسلام‌گرای مصر با محوریت اخوان المسلمین و سلفی‌ها که در جریان بهار عربی موفق به حذف و کنار زدن ساختارهای سابق نشدند، زمینه را برای شکل‌گیری ساختاری جدید در مصر فراهم کردند که در مقایسه با ساختار سابق بسیار نوپا و در نتیجه شکننده و آسیب‌پذیر است. دوگانگی ساختاری و تداوم تضاد و تقابل آن حاوی پیامدهایی برای جامعه مصر است، و توانسته این کشور را در وضعیت تقابل مداوم و ایستایی قرار دهد، که این وضعیت ممکن است، تا زمان غلبه کامل یکی از این دو ساختار بر دیگری، تداوم یابد.

در مجموع می‌توان این‌گونه گفت که دوگانگی ساختاری موجود در مصر نه تنها دستیابی این کشور را به سطوح توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی دشوار خواهد کرد، بلکه در اثر نبود اجماع و پیوستگی، این احتمال وجود دارد که مصر وارد درگیری‌های بی‌پایان جریان‌های سیاسی و در نتیجه بی‌ثباتی سیاسی می‌شود. البته گروه‌های اسلام‌گرای سیاسی به مفاهیمی چون دموکراسی و نوگرایی سیاسی اهمیت می‌دهند که این امر می‌تواند به پذیرش دموکراسی مشروط منجر شود. البته ثبات آینده کشورهای منطقه نیز،

به توانایی این احزاب اسلام‌گرا در گذار از جنبش‌هایی ایدئولوژیک به سازمان‌های سیاسی امکان‌گرا و همچنین به وجود نیروهای سیاسی دیگری بستگی دارد که این احزاب سیاسی را به حرکت در جهت ذکر شده سوق می‌دهند (مجد صلاح، ۱۹۹۲: ۱۳۷).

۲-۲. چالش اسلام‌گرایی و بن‌بست جامعه مدنی مصر

جریان معتدل اسلام‌گرا که در مصر به جریان الوسط (الوسطیه) معروف شده و در سایر بخش‌های خاورمیانه نیز به این نام اشاره می‌شود صحنه سیاسی را از سایر گروه‌های رادیکال اسلام‌گرا ربوده‌اند. علاوه بر این، گرایش الوسط در میان گروه‌های سیاسی مخالف دولت‌های خاورمیانه‌ای و در مقایسه با سایر جریان‌های سیاسی نظیر چپ‌ها و ناسیونالیست‌ها از قدرت بسیار بیشتری برخوردار است. زمانی که اخوان المسلمین مصر تصمیم گرفت در انتخابات ۱۹۸۴ مشارکت کند و دولت مبارک نیز به‌طور غیررسمی با این نوع فعالیت موافقت کرد، حرکت اسلام‌گرایان برای فتح کرسی‌های پارلمانی و سایر امتیازات شروع شد.

اسلام‌گرایان مصری از طریق اتحاد با حزب غیرمذهبی وفد توانست ۸ کرسی از ۳۶۰ کرسی پارلمان را به‌دست آورد، اخوان سه سال بعد نیز در جریان انتخابات ۱۹۸۷ بار دیگر با احزاب لیبرال و کارگر سوسیالیست ائتلاف کرد و هر سه گروه روی هم رفته ۳۸ کرسی را به‌خود اختصاص دادند. هرچند فشارهای دولت مانع مشارکت اخوان در انتخابات ۱۹۹۰ و ۱۹۹۵ شد، اما در انتخابات بعدی در ۲۰۰۰ و ۲۰۰۵ با قدرت بیشتری شرکت کردند و بیش از ۲۰ درصد کرسی‌ها را به‌دست آوردند (Joel, 1996: 282).

این استراتژی اسلام‌گرایان مصری مورد تقلید سایر جریان‌های اسلام‌گرا قرار گرفت. در تونس جنبش گرایش اسلامی که بعدها به حرکت النهضة تغییر نام داد خواستار به رسمیت شناخته شدن به‌عنوان حزب رسمی سیاسی و مشارکت در فرایند سیاسی شد. در الجزایر جبهه نجات اسلامی به رهبری دکتر عباس مدنی در انتخابات ۱۹۸۹ شرکت کرد و به پیروزی‌های چشمگیری دست یافت. پیروزی قاطع بعدی جبهه نجات در انتخابات ۱۹۹۱ بود که با سیاست‌های سرکوب‌گرانه نظامیان بی‌نتیجه ماند. چنین استراتژی مشارکت‌جویانه‌ای از سوی اسلام‌گرایان در اردن نیز دنبال شد. اخوان المسلمین در جریان

انتخابات پارلمانی سال ۱۹۸۹ به پیروزی مهمی دست یافت و بیش از همه گروه‌ها و احزاب شرکت‌کننده در انتخابات در پارلمان کرسی به‌دست آورد. این پیروزی اسلام‌گرایان اردنی در انتخابات ۱۹۹۳ تکرار شد (Robinson, 1997: 373). اگرچه اخوان اردن و جبهه اقدام اسلامی انتخابات سال ۱۹۹۷ را تحریم کردند، اما در انتخابات سال ۲۰۰۳ توانستند ۱۷ کرسی به‌دست آورند. در انتخابات ۲۰۰۷ نیز سهم آنها به میزان کمتری به ۶ کرسی رسید. با توجه به تغییر و تحول اوضاع و احوال جهانی به‌خصوص در زمینه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فناوری، کاربرد زور و روش‌های جنگ کلاسیک در مقابله با بازیگران قدرتمند به تدریج با کاهش ارزش، مشروعیت و اثربخشی مواجه شده است.

لایه ساختارها و علل نظام‌مند اجتماعی بر رفتار سیاسی اسلام‌گرایان و ایجاد محدودیت در خاستگاه بیداری اسلامی تأثیرگذار است. در این لایه، ناتوانی اسلام سیاسی در مقابل مشکلاتی که اقتصاد سیاسی مصر برای کنش سیاسی آنان ایجاد کرده است، یکی از مهم‌ترین محورهای معارضه با خاستگاه بیداری اسلامی در مصر می‌باشد. علاوه بر آن با تأکید بر تکثر فرهنگی جامعه مصر، مشکلاتی را در مجاری شکاف‌های اجتماعی برای اسلام سیاسی ایجاد کرده است. از این رو، سناریو بازدارنده و روندهای آن می‌تواند اسلام سیاسی را در مصر مجبور به کنش سیاسی و درون‌ساختاری کند و انتظار می‌رود محدودیت‌هایی برای آن ایجاد کند اما وزن اجتماعی مشخصی را برای اسلام‌گرایان لحاظ می‌کند (اشرف نظری و صیادی، ۱۳۹۴: ۲۲). این در حالی است که ساختار سیاسی مصر بخشی از توان سازماندهی، رهبری و بسیج اجتماعی اسلام سیاسی را محدود می‌کند و به تشدید روابط تیره با نظامیان یاری می‌رساند. علمای اسلامی، روحانیون و اساتید دانشگاه می‌توانند نقش بسیار پررنگ‌تری در بازدارندگی محورهای معارضه با خاستگاه بیداری اسلامی داشته باشند، به‌طوری که در انقلاب مصر شاهد نقش‌آفرینی مهم دانشگاه‌الازهر و علمای این دانشگاه برای حضور مردم در اعتراض‌ها بوده‌ایم.

۲-۳. بازیگران اصلی در جامعه سیاسی مصر

ساخت سیاسی بسته و نیز موقعیت ژئوپلیتیک مصر سبب شده‌اند تا پوشش‌های سیاسی این

کشور تحت الشعاع معادلات امنیتی باشند و نیروهای اجتماعی جز وفاداری و تقابل، راهی برای ابراز منافع و علایق خویش نداشته باشند. با این توضیح ساختارها و نیروهای اجتماعی شکل دهنده سیاست در جامعه مصر عبارت‌اند از:

۱. نظامیان،

۲. اسلام‌گرایان،

۳. سلفی‌ها،

۴. گروه‌های رادیکال،

۵. تشکل‌های مدنی و احزاب سیاسی.

یکی از سناریوهای بدیل در بیداری اسلامی مصر، نوع نگاه رژیم جدید به مناسبات آن کشور با رژیم صهیونیستی بوده است. رژیم اشغالگر نیز در غیاب حسنی مبارک به‌طور هراسناکی منتظر مواضع جدید رژیم انقلابی هستند. قطع صادرات گاز مصر به رژیم صهیونیستی و نیز اعتراض به مفاد پیمان کمپ دیوید دو موضع اساسی هستند که حزب‌النور در خصوص آن دو موضع شفاف‌تری اتخاذ نکرده است. به‌نظر می‌رسد «وداع با مواضع خفت‌بار مصر در سالیان گذشته»، اشاره‌ای به حکومت رژیم مبارک در مقابل حملات تجاوزکارانه رژیم صهیونیستی به ساکنان سرزمین‌های اشغالی به‌ویژه در غزه و شهرک‌سازی فزاینده در شرق بیت‌المقدس است.

اما سیاست آتی و برنامه راهبردی این حزب در خصوص رژیم صهیونیستی به‌صراحت ذکر شده است و اصولاً تفاوت خاصی بین سیاست خارجی حزب آزادی و عدالت (ارگان اصلی اخوان المسلمین) و حزب‌النور مشاهده نمی‌شود. در ذیل سیاست خارجی مطلوب حزب‌النور به گزاره‌های کلی نظیر احترام به پیمان‌ها و منشورهای بین‌المللی، اصالت استقلال و مصلحت مصر در اتخاذ موضع سیاسی، همکاری و ارتباط با ملت‌ها در کنار نظام‌های سیاسی حکام بر کشورها، ارتباط ویژه با کشورهای حاشیه رود نیل و محکوم بودن هرگونه تجاوز به نقض حقوق دیگران اشاره شده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود تحقق یکایک این اصول منوط به وجود منابع فکری - مادی است (پورقیومی، ۱۳۹۳: ۱۴۷). از نظر منابع اقتصادی، وضعیت مصر به‌شدت آسیب‌پذیر بوده و زمینه بی‌ثباتی

سیاسی نشئت گرفته از متغیر و پیشران اقتصادی در آن قوی است (برزگر، ۱۳۸۶: ۲۴۷).

۳. سناریوهای توسعه بیداری اسلامی در مصر

در تحولات عرصه بیداری اسلامی، غرب سناریوهای متعددی را برای عبور از بحران‌های موجود طراحی می‌کند، اما یکی از پیشران‌های بیداری اسلامی؛ پدید آوردن تحول فرهنگی و سیاسی عمیقی در جامعه مصر منطقه است که یکی از مهم‌ترین پارامترهایی است که مانع از اجرای طرح‌های غربی‌ها خواهد شد. این تحول مانع از آن خواهد شد تا غرب بتواند به راحتی سناریوهای خود را در این منطقه اجرا کند.

۱. غرب که در آغاز موج بیداری کاملاً غافلگیر شده بود، در مراحل بعدی و با کمک رسانه‌های عربی تلاش کرد تا این موج وحدت‌طلب را به وسیله بنیادگرایی سنی دچار واگرایی سازد و موج بیداری را با دو دستگی خنثی سازد. متأسفانه بخشی از جنبش‌های اسلامی منطقه در نتیجه فعالیت گسترده خبری در این دام افتادند و سیاست‌های خود را براساس این معیارهای تنگ‌نظرانه تنظیم کردند.

۲. تغییر باورهای اجتماعی، مهم‌ترین پیشران در جریان بیداری اسلامی است. مردم منطقه طی چندین دهه به این باور رسیده بودند که تغییر ممکن نیست و به همین دلیل در مقابل حکومت‌های استبدادی تسلیم بودند. این شرایط به رژیم‌ها فرصت می‌داد تا برای مدتی طولانی در قدرت باقی بمانند. «اسلام» و «غرب‌ستیزی» در مصر یک هنجار است و تأثیر و نفوذ اجتماعی این دو پیشران بر تحولات مصر به مراتب از عوامل دیگر یعنی: نفوذ سیاسی، نفوذ اعتباری و نفوذ پیمانی بیشتر است. در مصر پدیده بیداری اسلامی که دو رکن اصلی آن دین‌گرایی در عرصه اجتماعی و غرب‌ستیزی در عرصه سیاسی بوده با جدیت در جریان است و دائماً بر هواداران و عاملان آن افزوده می‌شود (قوام، ۱۳۹۰: ۴۸).

در راستای بسط و توسعه بیداری اسلامی، بررسی اسلام سیاسی از حوزه جامعه‌شناسی سیاسی به حوزه اندیشه سیاسی وارد شده و وجوه تئوریک اسلام سیاسی را تنظیم می‌کنند. از این رو، سناریوهای مقون را تفاوت‌های موجود میان گفتمان‌های اخوانی، سلفی و دموکراسی خواهی و تفاوت‌های تفسیری موجود میان اخوانی‌ها و سلفی‌ها را برجسته می‌نماید. مؤلفه‌های سناریوی

مقوّن و محورهای بسط و توسعه بیداری اسلامی و بازیگران کلیدی و نقش آفرینی شامل موارد زیر است:

- تقویت باورهای دینی و انقلابی مردم،

- تقویت ابعاد رفتاری و اخلاقیّت جامعه در چارچوب ارزش‌های بیداری اسلامی،

- تقویت وحدت و انسجام اسلامی و اجتماعی.

در این مقوله، پروبلماتیک تأویل به‌مثابه نقطه عطف سناریوهای مقوّن و محورهای بسط و توسعه بیداری اسلامی مصر است. از بازیگران کلیدی و نقش آفرین در این لایه، اسلام سیاسی به‌مثابه یک جهان‌بینی سیاسی مؤثری تلقی می‌شود که توانایی جذب پایگاه‌های طبقاتی مختلف را دارد و به‌دلیل استفاده از «زبان مذهبی در سیاست» همواره رقیبی برای سایر نیروهای سیاسی خواهان قدرت است و می‌تواند از دیدگاه تئوریک، به جذب اقشار اجتماعی در مصر پردازد. این در حالی است که نظامی‌گری جایگاه خود را در جهان‌بینی اسلام‌گرایان از دست داده و بنابراین زمینه تنش میان اسلام سیاسی و نظامیان از این منظر در کشور مصر کاهش یافته است (اشرف نظری و صیادی، ۱۳۹۴: ۶۳). با توجه به اوضاع حاکم بر عرصه سیاسی مصر پس از ۳۰ ژوئن انتظار می‌رود که پدیده اسلام سیاسی سه سناریو را پیش‌رو داشته باشد:

۱-۳. سناریو اول: مشارکت محدود

براساس این سناریو پدیده اسلام سیاسی تا زمانی که عوامل ایجادکننده و شکل‌دهنده آن در جامعه مصر موجودیت داشته باشند، همچنان در عرصه سیاسی مصر حاضر خواهد بود و حمایت‌های مادی و معنوی جریان سلفی به‌دلیل مواضع عمومی و کلی این حزب جهت تکمیل اهداف و چشمداشت‌های مورد نظر انقلاب ۲۵ ژانویه در ۳۰ ژوئن و اقداماتش در عدم تحریک هواداران و اعضای خود به خشونت و پذیرش روند اصلاح انقلاب موجب ادامه بقای احزاب جریان‌های اسلام‌گرای خواهد شد که دارای مواضعی مشابه و همخوان با این حزب هستند و ممکن است در انتخابات آینده پارلمانی مصر حتی به‌صورت محدود هم شده شاهد ائتلاف این احزاب با جریان سلفی باشیم. از این امر می‌توان این‌گونه برداشت کرد که جریان‌های سیاسی اسلام‌گرای مصر بدون حضور اخوان‌المسلمین، در صورتی که مشارکت سیاسی را رد کنند، در عرصه سیاسی حضور خواهند داشت و

جریان اسلام سیاسی همچنان به بقای خود در عرصه سیاسی مصر ادامه می‌دهد.

۲-۳. سناریو دوم: محدودیت نسبی

سناریو دوم به حضور محدود و افول نسبی پدیده اسلام سیاسی در عرصه سیاسی مصر برای مدت زمانی بین ۵ تا ۱۰ سال اشاره می‌کند، مشابه آنچه در خصوص جریان‌های سیاسی اسلام‌گرای الجزایر شاهد آن بودیم. بدون تردید این سناریو ضربه بزرگی به جریان‌های سیاسی اسلام‌گرا وارد می‌کند و برای مقابله با اجرای آن می‌بایست جماعت اخوان المسلمین به سرعت خطاهای خود را پذیرفته و هرگونه خشونت را رد و گزینه گفت‌وگو و مذاکره با دیگر گروه‌ها و جریان‌های سیاسی را آغاز کنند؛ زیرا اگر گفتمان تحریک‌آمیز اخوانی‌ها ادامه یابد و عرصه سیاسی مصر را به خشونت سوق دهد، این امر بر دیدگاه‌ها و مواضع مردم مصر نسبت به تمام گروه‌ها و جریان‌های سیاسی اسلام‌گرا و حتی خود جریان‌های اسلام‌گرا تأثیر منفی خواهد گذاشت. مشخص کردن اینکه کدام یک از دو سناریو فوق در مصر به اجرا درخواهد آمد، وابسته به میزان درک اخوان المسلمین از بحرانی است که پس از برکناری محمد مرسی با آن مواجه شده‌اند. اینجاست که می‌توان به چندین سناریو اشاره کرد که به تعامل جماعت اخوان المسلمین با عوامل تشکیل‌دهنده دولت مصر ارتباط پیدا خواهد کرد.

۳-۳. سناریو سوم: عقب‌نشینی موقت از خشونت

در این سناریو تأکید شده که طرف‌های حامی خشونت به سرعت از حمایت‌های خود منصرف خواهند شد، حال چه از رهبران و سران اخوان المسلمین باشند، چه دیگر گروه‌های جریان سلفی جهادی در سینا. در این سناریو طرف‌هایی که در اقدامات خشونت‌آمیز دست دارند، به سرعت درمی‌یابند که ادامه این خشونت‌ها بقای تمام طرح اسلامی را با تهدید مواجه خواهد کرد و همین امر موجب می‌شود تا به مذاکره و گفت‌وگوی سیاسی به‌عنوان یک ضرورت و مصلحت و منفعت دینی توأمان بیان‌دیشند. طرفداران چنین سناریویی واقع‌گرایان اصلاح‌طلب در جماعت اخوان المسلمین هستند که از مرسی خواستند با خواسته‌ها و مطالبات مردم مبنی بر برگزاری انتخابات زودهنگام لجاجت نکنند و در قبال آنها به خشونت روی نیاورد. انتظار

می‌رود که مشابه چنین سناریویی در میان رهبران اسلام‌گرای خارج مصر مانند «راشد الغنوشی»، رهبر جنبش اسلام‌گرای النهضة تونس که گروه‌های مختلف تونسی را به آشتی ملی دعوت کرده بود، با استقبال پذیرفته و به اجرا گذاشته شود.

۴. روش تحقیق

تحقیق حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش انجام تحقیق، کیفی - اسنادی و پیمایشی می‌باشد. روش گردآوری داده‌ها به صورت آمیخته (کتابخانه‌ای و میدانی) است. همچنین ابزار گردآوری داده‌ها در بخش مطالعات کتابخانه‌ای و مبانی نظری تحقیق شامل: کتاب‌ها، مقالات، رساله‌ها، پایان‌نامه‌ها، دستاوردهای تحقیقاتی، اسناد و گزارش‌های پژوهشی است. ابزار جمع‌آوری داده‌ها در بخش مطالعات میدانی تحقیق شامل: مصاحبه کیفی با خبرگان است. جامعه آماری شامل: سفرا، خبرگان آینده‌پژوهی، کارشناسان علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، مطالعات راهبردی و اسلام سیاسی، کارشناسان منطقه خاورمیانه و اساتید و پژوهشگران دانشگاهی با حجم نمونه ۱۵ خبره بوده، همچنین روش نمونه‌گیری در این تحقیق به صورت روش گلوله برفی است.

پس از شناسایی گروه‌های کانونی، نشست‌های تخصصی خبرگان برگزار شد و در اولین مرحله پرسش اصلی تحقیق برای شناسایی متغیرها، مؤلفه‌ها (روندها و پیشران‌ها) و سپس شاخص‌های هر فرضیه مورد بررسی قرار گرفته است. پس از جمع‌آوری داده‌ها و شناسایی روندها، مؤلفه‌ها، شاخص‌ها و متغیرهای آینده‌سیاسی در کشور مصر؛ نسبت به تجزیه و تحلیل یافته‌ها و روندهای تحولات اسلام سیاسی در کشور مصر با بهره‌برداری از ماتریس و همبستگی، مدل آماری و آزمون t اقدام شده است.

۵. تجزیه و تحلیل تحولات اسلام سیاسی در کشور مصر

در ادبیات آینده‌پژوهی، پیشران‌ها^۱ به نیروهای عمده شکل‌دهنده آینده اشاره دارند. شناسایی پیشران‌ها یکی از روش‌های عمده شناسایی تحولات و الگوهای تغییر و دیده‌بانی روندها در

آینده‌پژوهی است. با توجه به مبانی نظری تحقیق و نظرات خبرگان، پیشران‌های شناسایی شده برای روند تحولات و آینده اسلام سیاسی در کشور مصر شامل موارد زیر است:

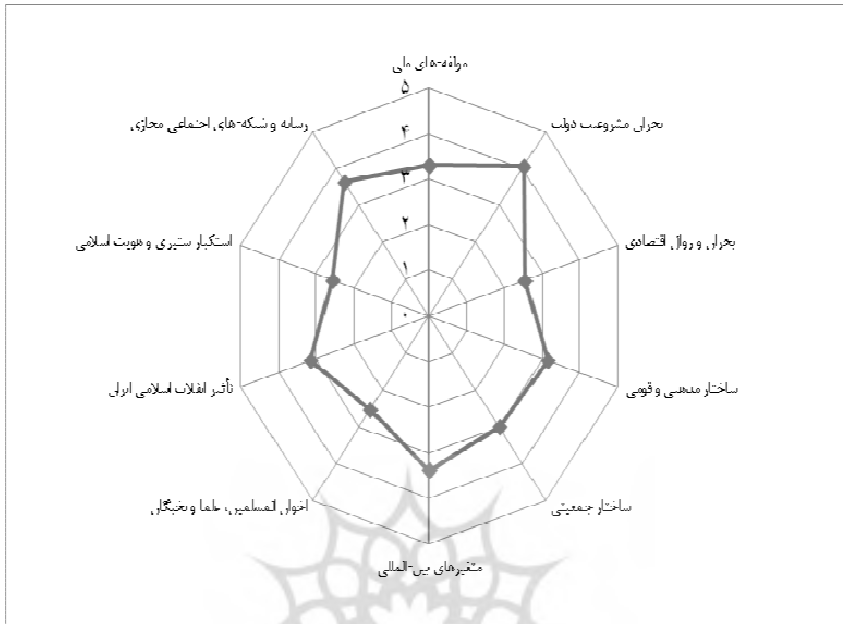
- مؤلفه‌های ملی،
- بحران مشروعیت دولت،
- بحران و زوال اقتصادی،
- ساختار مذهبی و قومی،
- ساختار جمعیتی،
- متغیرهای بین‌المللی،
- اخوان‌المسلمین، علما، نخبگان،
- تأثیر انقلاب اسلامی ایران،
- استکبارستیزی و هویت اسلامی،
- رسانه و شبکه‌های اجتماعی مجازی.

نتایج آزمون t برای سؤالات مرتبط با پیشران‌ها و ماتریس‌های تبیین وضعیت احتمالی آینده اسلام سیاسی در کشور مصر در قالب ۱۰ پیشران در ذیل آمده است.

جدول ۱. تجزیه و تحلیل ماتریس پیشران‌های آینده اسلام سیاسی در کشور مصر

Std. Error Mean	Std. Deviation	Mean	N	پیشران‌ها
۰.۱۹۴	۱.۱۰۰	۳.۳۱	۱۵	مؤلفه‌های ملی
۰.۲۰۰	۱.۱۲۹	۴.۰۶	۱۵	بحران مشروعیت دولت
۰.۱۶۸	۰.۹۵۰	۲.۵۳	۱۵	بحران و زوال اقتصادی
۰.۱۸۷	۱.۰۶۱	۳.۱۳	۱۵	ساختار مذهبی و قومی
۰.۱۶۲	۰.۹۱۴	۳.۰۰	۱۵	ساختار جمعیتی
۰.۱۶۲	۰.۹۱۴	۳.۳۸	۱۵	متغیرهای بین‌المللی
۰.۱۸۰	۱.۰۱۶	۲.۵۳	۱۵	اخوان‌المسلمین، علما و نخبگان
۰.۱۷۸	۱.۰۰۸	۳.۱۳	۱۵	تأثیر انقلاب اسلامی ایران
۰.۱۶۶	۰.۹۴۲	۲.۵۶	۱۵	استکبارستیزی و هویت اسلامی
۰.۲۰۳	۱.۱۴۸	۳.۶۳	۱۵	رسانه و شبکه‌های اجتماعی مجازی

نمودار ۱. ماتریس پیش‌بینی‌های آینده اسلام سیاسی در کشور مصر



۱-۵. محاسبه اولویت سناریوهای آینده اسلام سیاسی در مصر

در حال حاضر و با استفاده از نتایج این تحقیق می‌توانیم با استفاده از میانگین موزون، سناریو را برای آینده اسلام سیاسی در مصر انتخاب کنیم.

فرمول محاسبه: (امتیاز هر گزینه = مجموع حاصل ضرب اولویت آن گزینه براساس معیار i ضربدر اولویت آن سناریو).

$$y = X_1 + X_2 + X_3$$

در این تحقیق سناریوی «عادی شدن و استحاله بیداری اسلامی» برابر X_1 می‌باشد، سناریوی «مهار و کنترل بیداری اسلامی» برابر X_2 و همچنین سناریوی «تداوم و توسعه بیداری اسلامی» برابر X_3 در نظر گرفته شده است.

بنابراین براساس فرمول، امتیاز کسب شده برای آینده اسلام سیاسی در مصر نسبت به

روندهای موجود، به ترتیب ذیل و به شرح مندرج در جدول ۲ می‌باشد:

$$y = (0.5964 x_1) + (0.1178 x_2) + (0.2856 x_3) = 1.5713$$

جدول ۲. امتیاز کسب شده سناریوهای آینده اسلام سیاسی در مصر

نتیجه	مقدار X_3	مقدار X_2	مقدار X_1	معیار
۰.۲۱	۰.۲۶	۰.۱۰	۰.۲۸	عادی شدن و استحاله بیداری اسلامی
۰.۱۵	۰.۰۹	۰.۲۵	۰.۱۱	مهار و کنترل بیداری اسلامی
۰.۴۹	۰.۲۶	۰.۶۳	۰.۵۹	تداوم و توسعه بیداری اسلامی

بر اساس نتایج به دست آمده از تجزیه و تحلیل سناریوهای آینده اسلام سیاسی در مصر در جدول ۲، مشخص می‌شود که سناریوی تداوم و توسعه بیداری اسلامی با مقدار عددی به دست آمده ۰/۴۹ در رتبه اول، سناریوی عادی شدن و استحاله بیداری اسلامی با مقدار عددی ۰/۲۱ در جایگاه دوم و سناریوی مهار و کنترل بیداری اسلامی با مقدار عددی تعیین شده برابر ۰/۱۵ در رتبه سوم قرار می‌گیرد.

بنابراین در پاسخ به سؤال «روند تحولات اسلام سیاسی در کشور مصر، چگونه پیش‌بینی می‌شود؟»، ضمن تأیید فرضیه فرعی مبنی بر «آینده اسلام سیاسی در مصر در قالب سه سناریو شامل: ۱. عادی شدن و استحاله بیداری اسلامی، ۲. مهار و کنترل بیداری اسلامی، ۳. تداوم و توسعه بیداری اسلامی شکل خواهد گرفت» پیش‌بینی می‌شود روند تحولات اسلام سیاسی در کشور مصر با تداوم و توسعه بیداری اسلامی همراه باشد.

نمودار ۲. ترتیب وقوع سناریوهای متحمل در آینده اسلام سیاسی مصر



۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

تنش سیاسی موجود در مصر بر سر قانون اساسی جدید به‌عنوان هدایتگر و مبنای نظم آینده، نه تنها دستیابی این کشور را به سطوح توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی دشوار خواهد کرد، بلکه در اثر نبود اجماع و پیوستگی، این احتمال وجود دارد که مصر وارد درگیری‌های بی‌پایان جریان‌های سیاسی و در نتیجه بی‌ثباتی سیاسی شود. همچنین این وضعیت خود سبب تضعیف جایگاه این کشور در معادلات منطقه‌ای خواهد شد. با این حال نتایج این تنش‌ها برای آینده سیاسی مصر بسیار تعیین‌کننده است، به گونه‌ای که نتایج آن نه تنها جامعه بلکه نوع نگاه دولت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به دولت مصر را تحت تأثیر خود قرار خواهد داد. نظام سیاسی مصر متأثر از اسلام سیاسی در آینده به سه شکل متفاوت می‌تواند شکل گیرد که به میزان توانمندی جریان‌های سیاسی اصلی این کشور در کسب آرای عمومی و ارائه ایده‌های قابل تحقق و مورد اقبال مردمی بستگی دارد.

۱. احتمال نخست، قدرت‌یابی جریان سلفی است. این جریان اگر چه از طرفداران زیادی در میان افکار عمومی مصر برخوردار است اما هواخواهان آن به قدری نیستند که این جریان به تنهایی بتواند بر قدرت سیاسی در این کشور مسلط شود. مهم‌ترین مؤلفه‌ای که به جریان سلفی امکان تأثیرگذاری در آینده سیاسی مصر را می‌دهد، پایبندی آن به اسلام و احکام شریعت در جامعه مذهبی این کشور است. این جریان کادر سیاسی کارآمدی برای رهبری سیاسی در مصر ندارد زیرا همانند اخوان المسلمین نتوانسته به کادرسازی سیاسی بپردازد. این در حالی است که مسئله فلسطین و حمایت از آرمان آن یکی از نکاتی است که توان این جریان را در تأثیرگذاری بر سیاست و حکومت در مصر افزایش می‌دهد.

۲. احتمال دارد سکولارها و لیبرال‌ها بر آینده سیاسی مصر حاکم شوند. این جریان که طرفدارانی در میان افکار عمومی به‌ویژه طبقه متوسط جدید این کشور دارد، با استفاده از ابزارهای نوین ارتباطی توانسته است به بسیج سیاسی برای افزایش وزن سیاسی بپردازد. چهار نکته مهم در مورد این جریان وجود دارد: نخست اینکه جریان سکولار به لحاظ کادر سیاسی از وضعیت خوبی برخوردار است. دوم اینکه برخلاف اخوان المسلمین از تشکل سیاسی توانمندی برخوردار نیست و تشکل سیاسی آن بیش از اینکه واقعی باشد، مجازی است. سوم اینکه به‌دلیل نبود اعتقاد

به دخالت مذهب در سیاست در جامعه مصر از حمایت کمتری نسبت به اخوان بر خوردار است. چهارم اینکه موضع این جریان درباره فلسطین نمی‌تواند به اقناع اکثریت مردم مصر پردازد. بنابراین، به نظر می‌رسد چشم‌انداز نظام سیاسی مصر اگرچه قابل پیش‌بینی قطعی نیست اما اسلام نقشی اساسی در ماهیت آن بازی خواهد کرد. وزن سیاسی بالای اسلام‌گرایان در میان افکار عمومی و امکان‌های تشکل سیاسی این جریان، می‌تواند نقشی انکارناپذیر در تعیین شکل و محتوای نظام سیاسی جدید مصر داشته باشد.

فضاهای فرصت برای شناسایی پیشران‌های کلیدی، موضوعات برنامه‌ریزی و پیشران‌های مهم سناریوی اسلام سیاسی در مصر مورد استفاده قرار گرفت. بدین منظور آخرین تحولات کشور مصر که مرتبط با فضاهای فرصت اسلام سیاسی بودند، شناسایی و در قالب پرسشنامه ارزیابی میزان اهمیت و عدم قطعیت به تعدادی از خبرگان و صاحب‌نظران موضوع ارائه شد. پس از جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل پرسشنامه‌ها مشخص شد که پیشران‌های کلیدی اسلام سیاسی در مصر شرایط اقتصادی این کشور و توانمندی دولت در حل مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم و ارتباط و تأثیرگذاری گروه تروریستی داعش بر اسلام‌گرایان مصری می‌باشند. مطابق با اصول روش ماتریس عدم قطعیت‌ها، از این دو فضای فرصت برای تشکیل ماتریس عدم قطعیت‌ها و توسعه سناریوهای اسلام سیاسی در مصر استفاده شد.

بر همین اساس، نتایج تجزیه و تحلیل پیشران‌ها و روندهای اسلام سیاسی در مصر نشان می‌دهد ترتیب وقوع سناریوهای متحمل در آینده اسلام سیاسی مصر با توجه به شکل زیر است:

۱. تداوم و توسعه بیداری اسلامی،
 ۲. عادی شدن و استحاله بیداری اسلامی،
 ۳. مهار و کنترل بیداری اسلامی.
- بنابراین نتیجه می‌گیریم فرضیه تحقیق شامل: آینده اسلام سیاسی در مصر در قالب سه سناریو شکل خواهد گرفت:

۱. عادی شدن و استحاله بیداری اسلامی،
۲. مهار و کنترل بیداری اسلامی،
۳. تداوم و توسعه بیداری اسلامی.

از این رو تأیید می‌شود که سناریو و روند تداوم و توسعه بیداری اسلامی در مصر نسبت به سناریوهای دیگر، از قوت و احتمال بیشتری برخوردار است.

سناریوهای غالب و رایج در بیداری اسلامی مصر با توجه به ماتریس قدرت و امنیت در منطقه خاورمیانه، در چشم‌انداز کوتاه‌مدت شامل رقابت میان جریان‌های اسلام‌گرا و روایت‌های برخاسته از آنها اعم از انقلابی، سلفی و اخوانی خواهد بود. در این مدت، مسائل و معضلات منطقه‌ای در چارچوب نظم سه‌قطبی و روابط میان این قطب‌ها مدیریت خواهد شد. در عین حال، به نظر می‌رسد در میان‌مدت، جریان سلفی، توان ادامه رقابت در این عرصه را نخواهد داشت. دلیل این امر آن است که محتوای ایدئولوژیک این جریان و چشم‌اندازی که برای آینده منطقه ارائه می‌دهد، محتوایی نابهنگام و متعلق به گذشته است، هرچند توانمندی مالی عظیمی آن را پشتیبانی کند. دلیل آنکه غرب و در رأس آن ایالات متحده، در حال نزدیکی و سرمایه‌گذاری بر گرایش اخوانی است، درک همین نابهنگامی و ناتوانی جریان سلفی در بازتولید گفتمان خود در شرایط نوین منطقه‌ای و بیداری جوامع مسلمان آن است. همچنین در سطح میان‌مدت، مهم‌ترین معضل جریان اخوانی، کم‌تجربگی آن در مواجهه و مدیریت مسائل و بحران‌های منطقه‌ای است.

سلفی‌ها به عنوان طیف رادیکال اخوان‌المسلمین، در مشروعیت حکومت مبارک و اسلافش تردید تئوریک داشتند و با استناد به اصول و مبانی، آنها را حکومت‌های غاصب، نامشروع، وابسته، بی‌کفایت و فاسد برمی‌شمردند. خوی اقتدارگرایانه و فساد بی‌کفایتی متعارف در حکومت مبارک نیز مؤید داوری سلفی‌ها بود. آنان با استفاده ماهرانه از رکود اقتصادی و جمود فرهنگی جاری در جامعه، نظم هنجارین بدیلی را ارائه کردند که قادر بود توقعات حداقلی مردم جامعه را به طرز قابل قبولی تأمین کند. آنان با دفاع از اجرای قوانین شریعت، اصلاحات در متون درسی، جدایی دختر و پسر در کلاس‌های درس، محدودسازی برنامه‌های اجتماعی مختلط، ممنوعیت کنسرت‌ها و موسیقی‌های غربی و دیگر شبگذرانی‌های متعارف در شهرهای گوناگون مصر، طیف گسترده‌ای از جوانان تحصیل کرده را بسیج کرده تا علیه حکومت نامشروع و مسلط به پا خیزند.

منابع و مأخذ

۱. اشرف نظری، علی و محمد صیادی (۱۳۹۴). «اسلام‌گرایی، پراگماتیسم و کنش سیاسی در مصر پس‌انقلابی سال‌های ۲۰۱۴-۲۰۱۱»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال دهم، ش ۳.
۲. برزگر، ابراهیم (۱۳۸۶). «چارچوبی مفهومی برای فهم تحولات سیاسی مصر»، فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست، سال نهم، ش ۲۲.
۳. پورقیومی، ایوب (۱۳۹۳). «راهبردهای تحقق خاورمیانه اسلامی، با تأکید بر بیداری اسلامی»، رساله دکتری، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی.
۴. توکلی، یعقوب (۱۳۷۳). «اسلام‌گرایی در مصر؛ پژوهشی در تفکر و عملکرد جماعت اسلامی مصر»، تهران، نشر حدیث.
۵. جرجیس، فوار (۱۳۸۲). «اسلام سیاسی، رویارویی فرهنگ‌ها یا تضاد منافع، ترجمه سیدکمال سروریان، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۶. حسینی، محمدتقی (۱۳۹۰). «بررسی نظریه بیداری اسلامی در مورد انقلاب‌های خاورمیانه»، مجله جستارهای سیاسی معاصر، سال دوم، ش ۲.
۷. خراسانی، رضا (۱۳۸۹). «مواجهه غرب و اسلام سیاسی در دوره معاصر (چیستی و چرایی آن)»، فصلنامه علمی - پژوهشی علوم سیاسی، دانشگاه باقر العلوم (ع)، ش ۴۹.
۸. خرمشاد، محمدباقر و نیما کیانی (۱۳۹۱). «تمدن اسلامی - ایرانی الهام‌بخش موج سوم بیداری اسلامی»، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال نهم، ش ۲۸.
۹. خمینی، روح الله (۱۳۷۳). «صحیفه نور»، تهران، سازمان مدارک فرهنگ انقلاب اسلامی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۰. درایسدل، آلاسیدر و جerald ایچ بلیک (۱۳۶۹). «جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا، ترجمه درّه میرحیدر مهاجرانی، تهران، وزارت امور خارجه ایران.
۱۱. زحمتکش، مهدی و علی جعفری (۱۳۹۰). «رابطه دین و سیاست در اسلام»، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست‌وپنجم، ش ۳.
۱۲. فاضل، مق‌داد بن عبدالله (۱۳۹۶ ق.). «المواقف الالهیه فی مباحث الکلامیه»، تبریز، چاپ محمدعلی قاضی طباطبائی.
۱۳. قوام، سیدعبدالعلی (۱۳۹۰). «سیاست‌شناسی، تهران، انتشارات سمت.

۱۴. کمپ، جفری و رابرت هارکاوای (۱۳۹۳). *جغرافیای استراتژیک خاورمیانه*، ترجمه سیدمهدی حسینی متین، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۵. کوپر، جان، رونالد نیتلر و همکاران (۱۳۸۰). *اسلام و مدرنیته: پاسخ تنی چند از روشنفکران مسلمان*، ترجمه سودابه کریمی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۱۶. مجد صلاح (۱۹۹۲). *الدور السياسي للازهر (۱۹۸۱-۱۹۵۲)*، قاهره، مرکز البحوث والدراسات السياسية.
۱۷. مطهری، مرتضی (۱۳۷۱). *نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر*، چاپ شانزدهم، تهران، انتشارات صدرا.
۱۸. موسی الحسینی، اسحق (۱۳۷۵). *اخوان المسلمین*، ترجمه هادی خسرو شاهی، تهران، انتشارات اطلاعات.
۱۹. نیاکویی، سیدامیر و ضیال‌الدین صبوری (۱۳۹۰). «احزاب و فرهنگ‌های سیاسی مختلف در مصر (با تأکید بر جریان‌های اسلام‌گرا)»، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره ۱، ش ۱.
20. Abdalla, Ahmad (2012). *Human Right and Elusive Democracy*, Merip Report, 174.
21. Anderson, Lisa (2011). "Demystifying the Arab Spring; Parsing the Differences between Tunisia, Egypt, and Libya", *Foreign Affairs*, Published by the Council on Foreign Relations, May\ June.
22. Falk, R. (2014). Can the U.S. Government Accept an Independent Turkish Foreign Policy in the Middle East, *Insight Turkey*, 7-18.
23. Isawi, Charles (1968). "Economic and Social Foundations of Democracy in the Middle East", in: WALTER Laquer, *The Middle East in the Transition*, New York, Praeger.
24. Joel, Compagna (1996). "From Accommodation: The Muslim Brotherhood in The Mubarak Years", *Journal of International Affaris*, Vol. 50, No. 1.
25. Robinson, Glen (1997). "Can Islamists Be Democrats? The Case of Jordan", *Middle East Journal*, Vol. 51, No. 3.